خبر

پیام قدردانی رئیس جمهور از رهبر کاتولیک‌های جهان

رئیس‌جمهور با ارسال پیامی برای واتیکان، ضمن قدردانی از مواضع اخلاقی پاپ در قبال تجاوزات اخیر به ایران، بر ضرورت اتخاذ رویکردی واقع‌بینانه و منصفانه از سوی جامعه جهانی تاکید کرد و خواستار مقابله کشورهای جهان با مطالبات غیرقانونی و سیاست‌های ماجراجویانه و خطرناک آمریکا شد.

مسعود پزشکیان در این پیام با اشاره به تجاوز غیرقانونی آمریکا و رژیم اسرائیل که به شهادت حضرت آیت‌الله‌العظمی امام سیدعلی خامنه‌ای و تعداد قابل توجهی از مقامات عالی‌رتبه سیاسی و نظامی ایران و ۳۴۶۸ تن از شهروندان ایرانی ازجمله کودکان بی‌گناه مدرسه شجره طیبه در شهر میناب منجر شد، نوشت: رئیس جمهور آمریکا در اظهاراتی خطرناک و بی‌شرمانه گفته بود «قصد دارد تمدن تاریخی ایران را نابود کند و به عصر حجر برگرداند». این سخنان همان‌گونه که حضرتعالی اشاره نموده‌اید، ناشی از توهم قدرت مطلق و مبتنی بر غرور، زورگویی، زیاده‌خواهی و تلاش برای حل‌وفصل مناقشات از طریق خشونت افسارگسیخته است که وجدان انسانی، قادر به درک و تحمل آن نیست.

رئیس جمهور با اشاره به رویکرد مخرب ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل و حملات نامشروع آنها علیه ایران و حاکمیت قانون در عرصه جهانی، شرایط جاری در تنگه هرمز را ناشی از حملات غیرقانونی متجاوزین و اعمال محاصره دریایی علیه ایران از سوی آمریکا عنوان کرد و افزود: ایستادگی ایران در برابر مطالبات غیرقانونی دولت آمریکا به‌منزله ایستادگی و دفاع از حقوق بین‌الملل و ارزش‌های والای انسانی است. لذا از جامعه بین‌المللی انتظار می‌رود با اتخاذ رویکردی واقع‌بینانه و منصفانه، با مطالبات غیرقانونی و سیاست‌های ماجراجویانه و خطرناک آمریکا مقابله نماید.

برگزاری مراسم سالگرد شهید رئیسی در میادین تهران

معاون مراسم و تشریفات دفتر رئیس جمهور در دولت شهید آیت‌الله رئیسی، در نشستی خبری به مناسبت دومین سالگرد شهادت رئیس جمهور با اشاره به برنامه‌های گرامیداشت سالگرد شهدای خدمت گفت: برای روزهای سه‌شنبه، چهارشنبه و پنجشنبه این هفته در ۲۵ میدان اصلی تهران برنامه‌های مردمی با محوریت شهدای پرواز اردیبهشت برگزار می‌شود. رضا نقی‌پور ضمن ابراز امیدواری برای تداوم راه و مسیر خدمت شهید رئیسی اعلام کرد که از آغاز هفته خدمت، وزرا و مسئولان دولت سیزدهم در استان‌های مختلف حضور پیدا کرده و برنامه‌ها و سخنرانی‌هایی در گرامیداشت شهید آیت‌الله رئیسی و شهدای خدمت برگزار می‌کنند. همچنین در ابتدای این نشست محمدمهدی اسماعیلی، رئیس بنیاد شهید رئیسی و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت سیزدهم به طرح جزئیات برنامه‌های دومین سالگرد شهید پرداخت و گفت: فردا دوشنبه به مناسبت شهادت امام جواد(ع) مراسمی در امامزاده صالح(ع) تجریش برگزار می‌شود.

توافق ایران و پاکستان برای تسهیل در مبادلات تجاری

وزیر کشور پس از دیدار با همتای پاکستانی خود در تهران از توافق دو کشور برای تسهیل مبادلات تجاری خبر داد. اسکندر مومنی روز شنبه اظهارداشت: مباحث دوجانبه بسیار خوبی مطرح شد. ایران و پاکستان مرزهای طولانی مشترکی دارند و مرزهای ما، مرزهای دوستی، برادری و مرزهای امن است که با تلاش دو جانبه، امن‌تر هم خواهد شد. وزیر کشور ادامه داد: یکی از محورهای اصلی گفت‌وگوها، موضوع تجارت مرزی بود که توافق شد هم از سوی ایران و هم از سوی پاکستان، تسهیلات و اقداماتی صورت گیرد تا فرآیندها کوتاه‌تر شود و مبادلات مرزی، ترانزیتی، تبادل کالا و تجارت با سهولت بیشتری انجام گیرد. مومنی تصریح کرد: درباره برخی گذرگاه‌های جدید نیز بحث و بررسی‌هایی صورت گرفت. در مجموع درباره امنیت مرزها، مبادلات تجاری و روابط فی‌مابین، گفت‌وگوهای خوبی انجام شد و ظرفیت‌های بسیار مناسبی میان دو کشور وجود دارد.

وی خاطرنشان کرد: خوشبختانه هم دولت‌ها و هم ملت‌های دو کشور نگاه بسیار مثبتی به یکدیگر دارند. نخستین پیام رهبرمعظم انقلاب درباره پاکستان نیز حاوی تأکید ویژه‌ای بر روابط دو کشور بود و هر دو طرف مصمم هستیم در کنار توسعه روابط سیاسی و برادرانه، روابط اقتصادی و تجاری را نیز گسترش دهیم.

چین و روسیه از تقلای کاخ سفید برای صدور قطعنامه ضد ایرانی انتقاد کردند

شرکای ایران علیه قطعنامه آمریکایی





مهدی سیف‌تبریزی
گروه سیاسی

پس از پایان سفر پرسروصدای دونالد ترامپ به پکن و دیدار او با شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، نشانه‌های شکست این سفر در حوزه‌های مختلف به‌سرعت آشکار شد. رئیس جمهور آمریکا که تلاش داشت با اتخاذ مجموعه‌ای از سیاست‌های فشرده، خود را از سیاهچاله بحران ایران خارج کرده و با دست پر در برابر بزرگ‌ترین رقیب راهبردی واشنگتن ظاهر شود، نه‌تنها در مدیریت پرونده ایران با شکست‌ها و بن‌بست‌های متعددی مواجه شد، بلکه بحران تنگه هرمز نیز به بزرگ‌ترین پاشنه‌آشیل او تبدیل گردید؛ بحرانی که باعث شد ترامپ نه در قامت یک ابرقدرت مسلط، بلکه در جایگاه بازیگری گرفتار در بحران، راهی پکن شود و درنهایت به‌صورت آشکار از چین بخواهد برای حل بزرگ‌ترین معضل فعلی آمریکا نقش میانجی را ایفا کند.

اما پاسخ پکن به درخواست ترامپ، پاسخی سرد و منفی بود. چین خود را شریک قابل اعتماد ایران معرفی کرد و ضمن تاکید بر پایان تنش‌ها در منطقه، از ضرورت حفظ جریان آزاد تجارت و کشتیرانی در تنگه هرمز سخن گفت. این موضع در حالی مطرح شد که طرف آمریکایی مدعی بود رهبران چین در موضوعاتی همچون عدم انتقال تجهیزات نظامی به ایران و باز نگه‌داشتن تنگه هرمز، با واشنگتن هم‌نظر هستند. بااین حال، مواضع رسمی مقامات چینی بلافاصله پس از پایان سفر ترامپ، روایت آمریکایی‌ها را با چالش جدی مواجه کرد. در همین چارچوب، نماینده چین در سازمان ملل متحد از پیش‌نویس قطعنامه ضدایرانی آمریکا و بحرین درباره تنگه هرمز در شورای امنیت انتقاد کرده و تصریح نمود که هم محتوای این قطعنامه و هم زمان‌بندی ارائه آن نامناسب است. علاوه‌براین، وزارت امور خارجه چین نیز تنها یک روز پس از پایان سفر ترامپ، با انتشار بیانیه‌ای رسمی تاکید کرد که موضع پکن، چه در قبال پرونده هسته‌ای ایران و چه در مسأله امنیت خلیج‌فارس، هیچ تغییری نکرده است. وزارت خارجه چین در این بیانیه تاکید کرد که پکن همچنان از جلوگیری از گسترش تسلیحات هسته‌ای حمایت می‌کند، اما همزمان، حق ایران برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و غنی‌سازی اورانیوم در چارچوب اهداف غیرنظامی را نیز به رسمیت می‌شناسد؛ موضعی که به گفته مقامات چینی، سال‌هاست بخشی ثابت از سیاست رسمی پکن بوده و ارتباطی با تفاهمات احتمالی اخیر با واشنگتن ندارد. در پرونده تنگه هرمز نیز چین ضمن تاکید بر ضرورت باز ماندن این گذرگاه راهبردی برای تجارت بین‌المللی، با نظامی‌سازی منطقه و تبدیل خلیج‌فارس به صحنه یک رویارویی دائمی مخالفت کرد، اما درعین‌حال بر حقوق ایران به‌عنوان یکی از کشورهای ساحلی تنگه هرمز نیز تاکید ویژه داشت.

این مواضع در حالی اتخاذ می‌شود که پکن عملا وجود هرگونه جایگزین واقعی برای نفت ایران را رد و تصریح می‌کند حدود ۴۵ درصد از واردات انرژی چین از تنگه هرمز عبور می‌کند؛ مسیری که ایران، علی‌رغم سال‌ها تحریم و فشار مستمر غرب، همچنان یکی از مهم‌ترین تامین‌کنندگان انرژی آن به شمار می‌رود. از نگاه چینی‌ها، تنوع‌بخشی به منابع انرژی ـ ازجمله افزایش واردات از آمریکا یا برخی کشورهای عربی خلیج‌فارس ـ به‌هیچ‌وجه به معنای کنار گذاشتن نفت ایران نیست. اهمیت این موضع‌گیری‌ها زمانی بیشتر آشکار می‌شود که همزمان، رسانه‌های اصلی غربی با پوشش گسترده اظهارات مقامات آمریکایی، تلاش داشتند در چارچوب یک عملیات غرق‌سازی رسانه‌ای، واشنگتن را در قامت پیروز سیاسی و رسانه‌ای سفر پکن به تصویر بکشند؛ روایتی که در عمل با واقعیت میدانی و نتایج ملموس این سفر فاصله قابل توجهی داشت، چراکه در هیچ‌یک از پرونده‌های اصلی مرتبط با ایران، گشایش واقعی برای آمریکا حاصل نشد.

چرایی ایستادگی چین در کنار ایران

بااین حال، مواضع اخیر چین درباره قطعنامه آمریکا و بحرین پیرامون تنگه هرمز و همچنین اظهارات مقام‌های آمریکایی پس از بازگشت از پکن، ابهام‌هایی را درباره میزان همراهی چین با واشنگتن ایجاد کرده است؛ به‌ویژه آن‌که مقام‌های دولت ترامپ مدعی‌اند پکن در جریان این سفر، با «باز بودن» تنگه هرمز موافقت کرده است. اما به نظر می‌رسد اختلاف اصلی نه بر سر اصل موضوع، بلکه بر سر تعریف واژه «باز بودن» باشد.

براساس برخی اظهارات دیپلمات‌های چینی، منظور پکن از باز بودن تنگه هرمز، استمرار جریان تجارت و تداوم عبور نفت، گاز و کالا از این مسیر راهبردی است، نه لزوما حذف کامل هرگونه سازوکار اخذ هزینه‌های عبور. از نگاه چین، تا زمانی که چرخه تجارت و حمل‌ونقل متوقف نشده باشد، حتی وجود سازوکاری منطقه‌ای برای دریافت هزینه عبور نیز به معنای بسته‌بودن تنگه تلقی نمی‌شود. در مقابل، آنچه عملا هرمز را به سمت انسداد سوق می‌دهد، سیاست‌های تنش‌زا، محاصره‌محور و مداخله‌جویانه آمریکاست که جریان طبیعی تجارت در منطقه را هدف قرار داده است، نه صرف دریافت عوارض از کشتی‌ها.

در همین چارچوب، گزارش‌هایی نیز وجود دارد مبنی بر این‌که پکن با برخی طرح‌های در حال بررسی مخالفتی ندارد؛ ازجمله سازوکاری منطقه‌ای تحت عنوان «هزینه مدیریت زیست‌محیطی» که براساس آن از کشتی‌ها مبالغی دریافت شود؛ عوارضی که در عمل کارکردی مشابه تعرفه عبور دارد، اما در قالبی متفاوت تعریف می‌شود. بااین حال، مخالفت چین با قطعنامه آمریکا و بحرین صرفا به مسأله عوارض عبور محدود نمی‌شود. پکن معتقد است این قطعنامه، اگرچه فعلا ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل تعریف نشده، اما می‌تواند مقدمه‌ای برای صدور قطعنامه‌های بعدی و مشروعیت‌بخشی تدریجی به استفاده از زور علیه ایران باشد. چین و روسیه پیش‌تر نیز با نمونه‌های مشابه چنین قطعنامه‌هایی مخالفت کرده بودند، زیرا این روند را بخشی از یک مسیر مرحله‌ای برای افزایش فشار حقوقی، سیاسی و در نهایت امنیتی علیه تهران می‌دانند. از نگاه پکن، تجربه‌های گذشته نشان داده واشنگتن معمولا ابتدا با ایجاد بستر حقوقی و سیاسی از طریق قطعنامه‌های اولیه، زمینه را برای اقدامات سخت‌تر در مراحل بعدی فراهم می‌کند. به همین دلیل، چین ترجیح می‌دهد از همان نقطه آغاز، مانع شکل‌گیری چنین روندی شود.

علاوه‌براین، چین نسبت به پیامدهای ژئوپلیتیکی تضعیف نقش ایران در منطقه نیز نگرانی جدی دارد. پکن به‌خوبی آگاه است که اگر آمریکا بتواند همانند الگوی اعمال‌شده علیه ونزوئلا، کنترل صادرات انرژی ایران را نیز در دست بگیرد، امنیت انرژی چین به‌شدت آسیب‌پذیر خواهد شد. از نگاه چینی‌ها، بسیاری از کشورهای عربی خلیج‌فارس احتمالا در برابر فشار واشنگتن برای محدودسازی صادرات انرژی به چین مقاومت جدی نخواهند کرد و در چنین شرایطی، ایران تنها بازیگری است که ممکن است در برابر این فشارها ایستادگی کند.

از همین منظر، همراهی چین با هرگونه قطعنامه‌ای که درنهایت بتواند به مجوز استفاده از زور علیه ایران منتهی شود، عملا به معنای افزایش اهرم فشار آمریکا بر امنیت انرژی چین خواهد بود؛ مسأله‌ای که پکن حاضر نیست به سادگی آن را بپذیرد.

مخالفت روسیه با یکجانبه‌گرایی آمریکا علیه ایران

علاوه بر چین، نقش موثر و مثبت روسیه در حمایت از ایران و محکوم‌سازی جنگ غیرقانونی آمریکا و اسرائیل علیه کشورمان نیز دارای اهمیت است. کرملین بارها اعلام کرده است که هرچه سریع‌تر باید جنگ در منطقه غرب‌آسیا پایان یابد و ریشه این بحران را اقدام غیرقانونی واشنگتن و رژیم صهیونیستی علیه ایران دانسته است و این موضع‌گیری از سوی تمام ارکان سیاسی مسکو از ولادیمیر پوتین، سرگئی لاوروف، ماریا زاخاروا، سرگئی شویگو دبیرشورای امنیت روسیه و نماینده این کشور در سازمان ملل بارها و بارها اعلام شده است. این در حالی است که مسکو و تهران همواره بر هماهنگی سیاسی خود در مجامع بین‌المللی تاکید داشته‌اند که خروجی آن را می‌توان در وتوی قطعنامه بحرین علیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل در روزهای میانی جنگ ایران و آمریکا دید. این‌بار نیز واسیلی نبنزیا، نماینده روسیه در سازمان ملل با قاطعیت تمام در مقابل ارائه پیش‌نویس قطعنامه آمریکایی ـ بحرینی ایستاد و این موضع‌گیری را بدون اشاره به ریشه بحران غرب‌آسیا که از منظر کرملین جنگ غیرقانونی آمریکا و متحدانش علیه ایران است را غیرقابل قبول و نامشروع دانسته است. این موضوع نیز در چند روز گذشته در دیدار وزرای خارجه ایران و روسیه در حاشیه اجلاس بریکس در دهلی‌نو توسط سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه مجدد مورد اشاره قرار گرفت و بر هماهنگی سیاسی تهران ـ مسکو تاکید شد.

یادداشت

دکتر محمدحسن زورق | استاد دانشگاه

شیعه، امروز یک حزب جهانی است

در اوج اختناق شاهنشاهی که اصولا سخن گفتن جرم بود و فکر آینده کشور خود و جامعه خود و جهان خود بودن یک کار خطرناک به شمار می‌آمد یعنی در سال ۱۳۵۱ دکتر شریعتی از یک برداشت نو و انقلابی از مفهوم تحزب سخن گفت و تشیع را از نظر جامعه‌شناسی سیاسی به‌عنوان یک حزب در دل جامعه مسلمانان مطرح کرد و گفت: «اساسا شیعه یک حزب تمام است» و ادامه داد: «حزبی با تمام خصوصیات و ابعادی که قرآن می‌گوید و با همه ویژگی‌ها و مشخصاتی که در تلقی روشنفکر امروز، سنگر نجات انسان‌هاست. حزبی با همه خصلت‌ها و ابعاد یک حزب ایده‌آل کامل. حزبی است که هم تحقق عینی آن «حزب‌الله» است که قرآن از آن سخن می‌گوید و هم پاسخگوی نیاز این نسل مسئول روشنفکر در آگاهی دادن و حرکت بخشیدن به توده‌های جامعه....»[1] او سپس حزب را چنین توصیف کرد: «حزب در قاموس عمومی روشنفکران دنیا به‌طور کلی عبارت از سازمان اجتماعی متشکلی است دارای «جهان‌بینی»، «ایدئولوژی»، «فلسفه تاریخ»، «نظام اجتماعی ایده‌آل»، «رهبری اجتماعی»، «فلسفه سیاسی»، «جهت‌گیری سیاسی»، «سنت»، «شعار»، «استراتژی» و «تاکتیک مبارزه» و ... و «آرمان» که می‌خواهد «وضع موجود» را در انسان، جامعه، ملت یا الله تغییر دهد و «وضع مطلوب» را جانشین آن سازد....»[2] دکتر شریعتی با توجه به شرایط ذهنی جامعه روشنفکری آن روز که شدیدا تحت تأثیر سوسیالیسم و مارکسیسم بود پایگاه طبقاتی و جهت‌گیری طبقاتی را نیز جزو ویژگی‌های حزب بر شمرد ولی امروز بسیاری از به اصطلاح روشنفکران ما بیش از همه چیز تحت تأثیر لیبرالیسم و اندیویجوآلیسم هستند تا مارکسیسم و سوسیالیسم چون ضرباهنگ ارکستر اندیشه‌سازی‌های استعماری غرب تغییر کرده و حالا با رینگ و آهنگ دیگری می‌خواهند جهان سومی‌ها را به رقص در آورند تا آنها را باز به کنج «رینگ بوکس سیاست و قدرت» ببرند و ناک اوت کنند. بگذریم، در ماده یکم قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری مصوب یکم آذرماه ۱۳۶۱[3] آمده است: «... حزب، جمعیت، سازمان سیاسی و امثال آنها، تشکیلاتی است که دارای مرامنامه و اساسنامه بوده و توسط یک گروه اشخاص حقیقی معتقد به آرمان‌ها و مشی سیاسی معین تاسیس شده و اهداف، برنامه‌ها و رفتار آن به صورتی با اصول اداره کشور و خط مشی کلی نظام جمهوری اسلامی ایران مربوط باشد» دکتر عبدالحمید ابوالحمد در تعریف حزب می‌نویسد: «حزب گروه شهروندان با آرمان مشترک و تشکیلات منظم و متکی به پشتیبانی مردم است که برای به دست گرفتن قدرت دولتی یا شرکت در آن مبارزه می‌کند»[4] امروزه بعضی مفهوم حزب را تا حد یک دار و دسته یا گروه قدرت طلب که صرفا در پی به دست آوردن قدرت هستند تنزل می‌دهند البته این یک تعریف کمابیش استعماری از تحزب است و بهترین وسیله‌ای برای ایجاد تفرقه و تضاد داخلی در کشورهای مستقل به نفع قدرت خارجی است زیرا وقتی عده‌ای برای کسب قدرت با هم مبارزه می‌کنند پیدا می‌شوند کسانی که در این مبارزه به حامی خارجی چشم امید بدوزند. جای تاسف است که عده‌ای مروج حزب‌گرایی با همین تعریف غیرقابل قبول و باندبازی برای کسب کرسی‌های مجالس تصمیم‌گیری نامزد می‌شوند. امروز احتمالا پول کثیفی که برای جابایی در لیست‌ها رد و بدل می‌شود یک واقعیت تلخ است چه برسد به فردا که جز از طریق لیست نتوان کاندید مشارکت در چرخه‌های تصمیم‌گیری شد!. اگر حزب را چنین تعریف کنیم که عده‌ای صرفا در پی کسب قدرت باشند، قطعا تشیع یک حزب نیست ولی اگر حزب را به این معنی بدانیم که یک گروه هدفمند که هدفشان تغییر وضع موجود و ایجاد وضع مطلوب براساس ارزش‌ها و آرمان‌های معین و مشخص باشد، تشیع قطعا یک حزب است که دارای آرمان مشخص، براساس جهان بینی معین و متکی بر فلسفه تاریخ روشن و دقیق[5] و دارای یک برنامه معین به‌منظور تاسیس یک نظام سیاسی ایده‌آل در مقیاسات ملی و جهانی و با سیستم رهبری مترقی که در آن هم مردم نقش اساسی دارند و هم بر پایه یک فلسفه سیاسی معقول و مترقی استوار است و می‌خواهد در مرحله اول در سطوح دولت - ملت‌ها و نهایتا در سطح جهانی تغییراتی را به نفع بشریت و با استقرار عدالت و آزادی در جهان به وجود آورد[6].

پی‌نوشت‌ها: (۱) مجموعه آثار دکتر علی شریعتی؛ شیعه، انتشارات حسینیه ارشاد سال ۱۳۵۸ ص ۱۳ (۲) همان ص ۷۸ (۳) عبدالحمید ابوالحمد: مبانی سیاست، انتشارت توس ۱۳۵۸ ص ۴۰۷ (۴) همان (۵) نگاه کنید به مجموعه دوجلدی فلسفه تاریخ از استاد شهید مطهری (۶) نگاه کنید به امامت و جهان امروز از همین قلم انتشارات سوره مهر

ادامه در شماره آینده

یادداشت

داوود منظور | رئیس سابق سازمان برنامه و بودجه

از تهدید تا تعدیل چرخش‌های ترامپ در پکن

سفر ترامپ به چین قرار بود صحنه بازسازی ابتکار عمل آمریکا در بحران ایران باشد اما مجموعه اخبار تازه نشان می‌دهد این سفر بیش از آن‌که به یک دستاورد راهبردی روشن برای واشنگتن منتهی شود، محدودیت‌های آمریکا در برابر واقعیت تنگه هرمز، نقش چین و هزینه‌های جهانی جنگ را آشکارتر کرده است. ترامپ کوشید از پکن امتیازی بگیرد که در میدان هرمز به‌دست نیاورده بود: وادار کردن چین به فشار بر ایران، کاهش خرید نفت از ایران، همراهی با بازگشایی تنگه هرمز تحت الگوی مورد نظر آمریکا و تقویت موضع واشنگتن در مذاکرات هسته‌ای. اما گزارش‌های معتبر نشان می‌دهد پکن، در عین تأکید لفظی بر بازبودن تنگه هرمز و مخالفت با دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، تعهد عملی روشنی برای فشار بر تهران نداد. رویترز گزارش کرده که ترامپ پس از دیدار با شی جین‌پینگ گفت، چین نیز خواهان بازشدن هرمز است اما همین گزارش تصریح می‌کند که پکن نسبت به اعمال فشار مستقیم بر ایران موضعی محتاطانه و غیرمتعهدانه داشته است.

در ظاهر، ترامپ تلاش کرد سفر خود را موفق نشان دهد. او گفت با شی درباره ایران گفت‌وگو کرده، چین خواهان باز بودن هرمز است و ایران نباید به سلاح هسته‌ای دست یابد. اما تفاوت مهم اینجاست که «هم‌نظری کلی» با «همراهی راهبردی» یکی نیست. چین طبیعی است که خواهان باز بودن تنگه هرمز باشد، زیرا بخش مهمی از انرژی مورد نیاز خود را از خلیج‌فارس تأمین می‌کند اما این به معنای پیوستن به راهبرد فشار حداکثری آمریکا علیه ایران نیست. به گفته گاردین، سفر ترامپ به چین، با وجود تشریفات و نمایش‌های دیپلماتیک، به پیشرفت ملموس در پرونده ایران، تایوان یا رقابت فناوری منجر نشد و درباره آمادگی چین برای فشار واقعی بر تهران ابهام جدی باقی ماند.

نکته مهم‌تر آن است که خود ترامپ بعد از سفر، از احتمال لغو تحریم‌ها علیه شرکت‌های چینی خریدار نفت ایران سخن گفت. این تحول اگر عملی شود، معنای سیاسی روشنی دارد؛ واشنگتن برای گرفتن همکاری پکن ناچار است بخشی از ابزار فشار خود را تعدیل کند. رویترز گزارش کرده ترامپ در مسیر بازگشت از پکن گفت موضوع لغو تحریم شرکت‌های چینی خریدار نفت ایران را با شی مطرح کرده و طی روزهای آینده درباره آن تصمیم خواهد گرفت. این عقب‌نشینی قطعی نیست اما نفس طرح آن نشان می‌دهد تحریم‌های ثانویه علیه چین دیگر ابزار کم‌هزینه‌ای برای آمریکا نیست؛ زیرا فشار بر خریداران چینی نفت ایران، به جای انزوای تهران، واشنگتن را وارد چانه‌زنی دشوار با پکن کرده است.

در همین چارچوب باید خبر افزایش عبور شناورها از هرمز با هماهنگی ایران را تحلیل کرد. خبر نقل‌شده از صداوسیما درباره عبور ۳۰ کشتی در یک روز، از نظر تحلیلی با روند کلی بحران سازگار است: ایران نمی‌خواهد هرمز را کاملا ببندد، بلکه می‌خواهد عبور از هرمز را به نوعی هماهنگی، مدیریت و پذیرش نقش ایران گره بزند. این دقیقا نقطه اختلاف با آمریکاست. واشنگتن باز بودن هرمز را به‌معنای عبور آزاد تحت چتر امنیتی آمریکا می‌فهمد؛ تهران آن را به معنای عبور امن، اما با شناسایی نقش ایران در امنیت تنگه می‌داند. همین تفاوت، بحث هرمز را از یک مسأله فنی دریایی به یک مسأله نظم‌ساز در امنیت منطقه تبدیل کرده است.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید

یادداشت

احمد میراحسان | نویسنده و پژوهشگر

زبان فارسی فردوسی و انقلاب اسلامی

به‌یادم می‌آید حدود ربع قرن پیش، طرحی نوآورانه درباره شاهنامه‌خوانی نمایشی و تجسمی آوانگارد و آمیخته‌ای از عصر اسطوره‌ها، زندگی روزمره امروزی و ادغام صحنه و پشت‌صحنه برای بازخوانی داستان‌های شاهنامه فردوسی و آمیزه‌ای از نمایش و نقالی و پرده‌خوانی و فرم تعزیه و نیز روایت واقع‌گرایانه زمان کنونی، به رسانه ملی ارائه دادم؛ به دلایلی که ناشناخته نبود، از آن طرح سریالی پیشوازی نشد و به فراموشی سپرده شد: شاهنامه منطقه ممنوعه بود. آن‌زمان، مدیران نوآور و تهیه‌کنندگان نامتعارف‌تر دست باز نداشتند، درحالی‌که ضمنا عمیقا عاشق اسلام و ایران و خلاق بودند؛ یکی‌شان می‌خواست تهیه‌کننده آن پروژه باشد. مرحوم افروغ یکی از داوران طرح بود و هر دو بدون ارتباط با هم، بسیار از آن دفاع می‌کردند.

زمانی گذشت و روزی با رضا میرکریمی در خانه سینما صحبت می‌کردیم؛ خانه سینما را اداره می‌کرد و نیز در فکر ساختن فیلمی تاریخی-اسطوره‌ای از رستم و سهراب بود. گفتم چقدر خوب است فیلمت را نه با ساختارهای پررزق‌وبرق هالیوودی بسازی. در ذهنم آن را در یک فضای کوزینتسفی و یا کوروساوایی می‌دیدم و حتی با فرمی پازولینی‌وار، یک رئالیسم مینیمال. نمی‌دانم بعدش با کیارستمی درباره‌اش حرف زدم یا نه اما در ذهنم هنوز این پرسش زنده است که اگر او می‌خواست آن را بسازد، چگونه می‌ساخت؟ شاید حتما با دو عنصر بداعت و بداهت، و نیز رئالیسمی قطعیت‌ستیز و گریزان از دراماتیزه‌کردنی که احساسات را بر عقل حکمروا کند، شاید به فرم یک نقالی و یک تعزیه... که ما را از حس واقعیت و تفکر درباره واقعه تهی نمی‌سازد. این‌ها جهان مشترک من و او بود، در آمیخته با تصاویری که اسطوره را به زندگی روزمره نزدیک می‌کند. فیلم میرکریمی هم هرگز ساخته نشد؛ من بارها درباره جهل حضرات درباره شاهنامه سخن گفتم. این‌که ظاهربینان متحجر درک نمی‌کنند این حماسه ایرانی شاعر شیعی، ذخیره اعظم معارف شیعی و حتی حکمرانی مرتبط با فره ایزدی در برابر حکمرانی اهریمنی است. فره ایزدی چه بود جز نور ربانی عصمت و بی‌گناهی و دادگری و دانایی آسمانی نهفته در ولایت و امامت و رهبری سیاسی امام معصوم(ع) که در عصر غیبت در مقیاس انسان متقی غیر معصوم تا ظهور بقیه‌الله‌الاعظم(عج) جاری می‌شد در ولایت عالم ربانی، ولی فقیه. این باورم بود و بعدها دانستم شاهرخ مسکوب در تحقیقات دور دوم زندگیش درخصوص شاهنامه پس از انقلاب درباره نسبت فره ایزدی در ایران باستان و ولایت شیعی واژگونه کار کرده و منتشر شد. من نیز بدون اطلاع از کارش چنین می‌پنداشتم و مستقل از او به این نتیجه رسیده بودم اما با نگرشی ضد او. چندبار پیش از این نوشتم گاه اسطوره‌ها شکل معکوس حقیقت‌های عالم غیبند که به‌مرور آنچه فطرت و یا وحی بر آدم و حوا و انبیا مکشوف شده بود، به‌مرور واژگونه شد. به‌هرروی، نظیر تکفیر اعاظم تفکر و تفقه تشیع به‌وسیله گروهی دیگر از همین عالمان، تکفیر فردوسی و حافظ و مولانا هم از سر حق نبوده و نیست. حتی راهنمود روشنگرانه و ژرف‌بینانه امام شهید هم یخ جمود و تحجر و تظاهرات دینداری جزم‌اندیش یا نااندیشنده و تعارض دروغین رویاهای ایرانی و آرمان‌های شیعی، قرآن و شاهنامه را نتوانست ذوب کند؛ تا این‌که آقاسیدمجتبی با شجاعت قابل تحسین از شاهنامه سخن گفتند.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید